

فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی - پژوهشی)
سال پنجم، شماره (۱۹)، پاییز ۱۳۹۵

بررسی مولفه‌های حکمرانی خوب از منظر امام خمینی(ره)

محمد رحیم عیوضی

استاد علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)

نازنین مرزبان*

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

چکیده

از دهه ۱۹۸۰ به بعد مفهوم جدیدی مطرح شده است که به الگوی حکمرانی خوب مشهور است. پس از اینکه دولت‌ها در اواخر قرن بیستم و بیست و یکم با چالش‌های جدیدی نظیر رهیافت دولت بزرگ، اجماع‌واشنگتنی روبرو شدند، الگوی حکمرانی خوب را به عنوان چارچوبی جهت خروج از این چالش‌ها مطرح کردند. وجود حکومت، مستلزم حکمرانی است که سکان هدایت جامعه انسانی را بر عهده بگیرد و اهداف جمع را به سرمنزل مقصود برساند. همچنین بهترین شکل و بهترین نوع نظام سیاسی همواره دغدغه اصلی و اساسی اندیشه‌های سیاسی بوده است و در تفکرات هر یک از اندیشمندان به نوعی حاکمیت مطلوب جامعه ترسیم گشته است؛ اندیشه‌های سیاسی ایرانی - اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نبوده که برای دستیابی به دیدی موثر درباره موضوع حکمرانی خوب در میان اندیشمندان ایرانی - اسلامی؛ امام خمینی را به عنوان طراح نظام جمهوری اسلامی انتخاب کردیم. بنابراین در این پژوهش سعی بر آن داریم که سوال اساسی را؛ مؤلفه‌های حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) چیست؟ قرار دهیم. فرضیه مقاله حاضر بدین شرح است که: مهم‌ترین مؤلفه‌های حکمرانی خوب در اندیشه امام خمینی با الهام از آموزه‌های قرآن، سیره و سنت حکومت نبوی عبارتند از: توجه به حاکمیت قانون، مشارکت مردم، عدالت‌جویی، اعتماد سازی و پاسخ‌گویی حکومت به مطالبات مردمی. روش پژوهش بر اساس روش توصیفی - تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای می‌باشد. چارچوب نظری هم بر اساس نظریه حکمرانی خوب است.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، تعریف و تأمین منافع ملی، توانایی ساخت الگوی حیات طیبه، توانایی تولید ثروت ملی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۸/۱۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۱۸
ایمیل نویسنده مسئول: nazanin.marzban.1989@gmail.com

۱- مقدمه

موضوع حکمرانی خوب به لحاظ آسیب‌پذیری نظام‌های سیاسی و تضعیف اجرایی شدن شاخص‌هایی که مؤید اصل حاکمیت مردمی و حکومت خوب و پاسخگو گردیده، امروزه به عنوان یکی از مباحث مهم و در عین حال جدیدی است که از دهه ۱۹۸۰ به بعد در ادبیات توسعه مطرح شده است. حکمرانی خوب الگویی است که در پی ناکارآمدی ساز و کارهای پیشین توسعه از سوی مجامع بین‌المللی ارائه شد و بویژه در کشورهای در حال توسعه به منظور استقرار و نهادینه‌سازی جامعه مدنی در سیاست‌های مربوط به اعطای کمک‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده است. این الگو با رویکردی هنجاری و ارزش‌مدارانه به شیوه صحیح، مفهوم جدیدی از دولت را در نظر می‌گیرد که به فرآیند نوین اداره امور جامعه اشاره دارد. تغییراتی در نقش دولت ایجاد می‌نماید و روش جدیدی برای اداره‌ی جامعه ارائه می‌کند و سرانجام اینکه حکمرانی خوب الگویی است در جهت اصلاح بخش عمومی، تقویت جامعه مدنی و تسریع مشارکت بخش خصوصی. (قلی‌پور، ۱۳۸۳: ۸۶)

بنابراین با وجود جدید بودن موضوع از حیث نظری و نیز مؤلفه‌های آن، لزوم شناخت و تطبیق آن با مطلوب‌های واقعی و نیازهای اصلی جوامع مختلف از ضرورت‌های اصلی این پژوهش محسوب می‌شود. بر این اساس اهمیت موضوع این‌گونه است که با شناخت سیستم حکمرانی خوب و همچنین بررسی و تشریح آن بویژه توسط دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی و تبیین وجوه تفکری هر یک از متفکران مسلمان در این زمینه می‌تواند ما را در تقویت و ساماندهی دیدگاه‌های مربوط به حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی یاری نماید. از آنجا که دین اسلام، دینی جامع و کامل است لذا بسیاری از شاخص‌ها و ویژگی‌های حکمرانی خوب با اصول و مبانی این دین هم‌راستا است و اگر آن‌ها را با فرهنگ و ارزش‌های دینی و ملی خود تطبیق دهیم، می‌توانیم الگوی مناسبی برای سنجش چگونگی حکمرانی خوب ارائه دهیم. به همین جهت بررسی دیدگاه‌های اندیشمندان ایرانی - اسلامی دارای اهمیت ویژه‌ای است. با تأکید بر این امر؛ بررسی اندیشه‌های امام خمینی به عنوان معمار انقلاب که در طراحی و اجرایی نمودن حکومت جمهوری اسلامی ایران بخصوص در عصر غیبت نقش مهمی داشتند، بسیار حائز اهمیت است. بنابراین آنچه در این طرح نیاز به تبیین و تشریح دارد این است که نخست این مفهوم معرفی و تعریف شود و دیگر اینکه در میان اندیشه‌های امام خمینی مدلی مطلوب در جهت تدوین حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی ارائه گردد. و در نهایت گشاینده باب جدیدی در تئوری مربوط به حکمرانی خوب با رویکردی ایرانی - اسلامی از آن بزرگوار باشیم. بنابراین در این پژوهش تلاش می‌کنیم که سؤال اساسی را؛ مؤلفه‌های حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) چیست؟ قرار دهیم. فرضیه مقاله حاضر بدین شرح است؛ مهم‌ترین مؤلفه‌های حکمرانی خوب در اندیشه امام خمینی

با الهام از آموزه‌های قرآن، سیره و سنت حکومت نبوی عبارتند از: توجه به حاکمیت قانون، مشارکت مردم، عدالت‌جویی، اعتماد سازی و پاسخ‌گویی حکومت به مطالبات مردمی.

۲- تعریف حکمرانی خوب

برای حکمرانی خوب تعاریف گوناگونی ارائه شده است که روح حاکم بر همه آن‌ها تفاوت چندانی با هم ندارد. به عبارت دیگر هرکدام از تعاریفی که از این مفهوم بیان شده بود، با ابعاد خاصی از آن مورد توجه خود قرار داده و بر مبنای آن به تعریف این مفهوم پرداخته‌اند. در واقع حکمرانی خوب را می‌توان بر اساس ویژگی‌های آن و یا بر اساس فرآیند تعریف کرد. به عبارت دیگر، در تعریف بر اساس ویژگی‌ها، وضعیت حکمرانی خوب تعریف می‌شود (مانند تعریف بانک جهانی) در حالیکه در روش دوم حکمرانی خوب بر اساس فرآیند اعمال حاکمیت تعریف می‌شود. (مانند تعریف «ماری رایبسنسون»، کمیسر عالی سابق حقوق بشر سازمان ملل متحد) داده-اند. (میدری، ۱۳۸۱: ۳۲-۳۱)

جدول ۱. تعاریف حکمرانی خوب

تعاریف	نهاد / فرد
مدیریت دولتی کارا (شامل بودجه‌بندی، حسابرسی، ارائه گزارش و رفع نارسایی‌ها)، پاسخگویی، چارچوب قانونی برای توسعه، اطلاعات و شفافیت (اطلاعات در مورد اثربخشی فعالیت‌ها و شفافیت جهت جلوگیری از فساد)	بانک جهانی ۱۹۹۲
مشروعیت دولت (به معنی وجود فرایندهای مشارکتی و رضایتمندی افراد)، پاسخگویی، شایستگی دولت، احترام به حقوق بشر و رعایت قانون	ODA ۱۹۹۳
حساب‌دهی عمومی، پاسخگویی، مدیریت مسالمت‌آمیز بحران، رهبری سیاسی خلاق و هوشمند، مشمولیت (عدالت)	فرید من ۱۹۹۸
مشارکت، شفافیت، پاسخگویی، حساسیت به نیاز فقرا، مدیریت قوی و ثمربخشی هزینه	بانک جهانی ۲۰۰۰
مشارکت، عدالت، شفافیت، حسابداری، حکومت قانون، پاسخگویی، اجماع‌گرایی، ثمربخشی و کارایی، چشم‌انداز استراتژیک	UNDP ۲۰۰۰
عدم تمرکز اقتدار و منابع (اختیار تصمیم‌گیری)، عدالت حضور در تصمیم‌گیری، شفافیت، حسابداری، التزام مدنی و شهروندی، کارایی، چشم‌انداز، استراتژیک توسعه پایدار، امنیت	UNCHS ۲۰۰۰
جامعیت و پاسخگویی تحقق یافته در سه بخش مهم: انتخابات، پاسخگویی و تعویض حاکمان (اظهار نظر و پاسخگویی، پایداری و فقدان خشونت)، کارآمدی نهادها، مقررات، مدیریت منابع (چارچوب نظم دهنده: کارآمدی حکومت)، احترام به نهادها، قوانین و تعاملات میان کنش‌گران در جوامع مدنی، تجارت و سیاست (کنترل فساد، برابری حقوقی)	بانک جهانی ۲۰۰۶

برنامه عمران سازمان ملل	حکمرانی خوب عبارت است از : «قاعدمندی، شفافیت ... پاسخگویی... کارآمدی و انصاف ... ترویج برابری حقوقی... تضمین اینکه اولویت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، براساس اجماع جمعی است و اظهار نظرهای فقرا و افراد آسیب‌پذیر در تصمیم‌گیری درباره اختصاص منابع توسعه، مورد توجه قرار می‌گیرد.»
صندوق بین‌المللی پول	تضمین برابری حقوقی، بهبود کارآمدی و پاسخگویی بخش عمومی و کاهش فساد

کافمن	در شش جنبه می‌توان آن را سنجید (اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و فقدان خشونت، جرم و آدم‌کشی، کارآمدی حکومت، فقدان تحمیل‌های قانونی، برابری حقوقی و کنترل فساد)
هایدن و همکاران	در پنج جنبه (مشارکت، انصاف، شایستگی، کارآمدی، پاسخگویی و شفافیت) می‌توان حکمرانی خوب را در شش حوزه (جامعه مدنی، جامعه سیاسی، حکومت، بروکراسی، جامعه اقتصادی، قوه قضائیه) سنجید.
دیکست (۲۰۰۹)	حکمرانی خوب برای تضمین سه پیش‌نیاز اساسی بازار اقتصادی (حفاظت از حقوق مالکیت، اجرای قراردادها، کنش جمعی) لازم است ... اقتصاد حکمرانی خوب، از همه فرایندهای اسمتی حمایت می‌کند که بر اساس آن، افراد در امور مختلف متخصص می‌شوند و با یکدیگر به منظور دستیابی به نهایت توان اقتصادی جامعه مبادله می‌کنند.
گریندل ۲۰۱۰	حکمرانی خوب در اکثر موارد بیانگر فهرستی از خصوصیات پسندیده است که حکومت باید داشته باشد. حکمرانی خوب، بیانگر نگرانی‌های هنجاری درباره اموری است که دولت باید انجام دهد، مانند کاهش فقر، حفظ ثبات سیاسی یا عرضه خدمات پایه‌ای.

(پنج تعریف اول را گریندل ۲۰۰۷ استخراج کرده است). (مرزبان، ۱۳۹۴: ۲۳)

۳- مبانی نظری حکمرانی خوب در نگرش امام خمینی (ره)

برای ورود به بحث حکمرانی مطلوب از دیدگاه حضرت امام (ره) باید از مسیر مبانی اندیشه سیاسی ایشان عبور کرد تا از رویکرد وی به موضوع پرداخت و از راه و روش‌های دستیابی به آن آگاه شد. در مجموع هر متفکری به بررسی موضوعی از حیات بشر می‌پردازد که برخی از آن موضوعات در ارتباط با اهداف غایی هستند و با موضوع رستگاری و الگوی مطلوب سیاسی، اخلاقی و اقتصادی در ارتباطند. این الگوها از منابع مختلف استفاده می‌کنند که به معنی مبانی و بنیادهای اولیه شناخت محسوب می‌شوند. لذا بینش و معرفت یک اندیشمند نسبت به جهان، انسان، جامعه و در نهایت غایتی که برای این موضوعات در نظر می‌گیرد، تابعی از معرفت‌شناسی اوست. (مرزبان، ۱۳۹۴: ۱۳۵)

کانون اندیشه امام آموزه‌های وحیانی است و به تبع آن جهان‌بینی ایشان یک جهان‌بینی الهی - دینی است و در واقع اصل توحید، محور اصلی جهان‌بینی امام خمینی (ره) را تشکیل می‌دهد و بر همین اساس، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) یک اندیشه توحیدمدار است. لذا کلیه شئون زندگی سیاسی و الگوی مطلوب حکمرانی و حکومت را باید بر محور این اصل توضیح داد. بر اساس دیدگاه توحیدی است که در اسلام، دولت و حکومت در قالب امامت مطرح می‌شود و حاکمیت انسان بر سرنوشت جمعی از دو نوع رابطه‌ی انسان با خدا نشأت می‌گیرد: یک رابطه در بعد هدایت الهی انسان که با نصب و معرفی انبیاء و امامان انجام می‌پذیرد و رابطه‌ی دیگر در بعد خلقت انسان که آزاد و حاکم بر سرنوشت خویش آفریده می‌شود تا در نتیجه این دو موهبت الهی، انسان بتواند در پرتو آزادی توأم با مسئولیت خویش، راه هدایت انبیاء را برگزیند و از این طریق اراده خدا را که همان شریعت و قانون الهی است، حاکم بر سرنوشت خویش گرداند.

امام می‌فرماید: «اعتقاد من و همه مسلمین همان مسائلی است که در قرآن کریم آمده است و یا پیامبر اسلام (ص) و پیشوایان به حق بعد از آن حضرت بیان فرموده‌اند که ریشه و اصل همه آن عقاید که مهم‌ترین و با ارزش‌ترین اعتقادات ماست، اصل توحید است». (ضمیری، ۱۳۸۸: ۱۴۴) در دیدگاه توحیدمدار امام خمینی (ره)، جهان هستی با وصف نظام احسن و نظام اجمل، و به‌طور کلی بالاتر از همه نظام «عدل» توصیف می‌شود، زیرا بر اساس تعالیم الهی و قرآنی، نظام آفرینش و جهان خلقت عبث و بیهوده نبوده و بر محور عدل استوار است.

یکی از مباحث اساسی و بسیار مهم در اندیشه امام خمینی (ره) اعتقاد ایشان به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی است؛ زیرا اجرای احکام دینی که ضامن سعادت انسان است، بدون ایجاد حکومت تحقق نمی‌پذیرد. لذا از نظر امام خمینی (ره) هدف کلی حکومت، ایجاد شرایط مساعد برای تعالی و سعادت انسان‌هاست؛ شرایطی که افراد مؤمن تربیت شوند، آن هم به وسیله مربیانی که احکام الهی محتوای دروس تربیتی آن‌هاست و غایت این تعالیم تربیتی رسیدن به کمال و سعادت اخروی است. بنابراین سیاست مطلوب و مورد نظر امام در چارچوب حکومتی با ویژگی‌هایی است که عبارتند از: سعادت محور بودن، توجه به هر دو بعد و ساحت انسان (مادی و معنوی)، ایجاد جامعه‌ای مناسب برای رشد و تکامل انسان با توجه به هر دو بعد انسان، رعایت مصالح دنیا و آخرت عموم انسان‌ها، پرهیز از سلطه‌گری ناروا و ابتناء بر قسط و عدل، نفی هرگونه ظلم و ستم، استبداد، استثمار، استعباد و در نهایت اجرای حدود الهی در جامعه. (همان: ۱۴۵)

۴- شکل حکومت خوب از منظر امام خمینی (ره)

یکی از مواردی که هر نظریه سیاسی باید به آن پاسخ دهد، نوع و شکل حکومت مطلوب است. در آموزه‌های دینی نیز، ویژگی‌ها و وظایف حکومت تبیین شده است، اما در مورد تعیین یکی از

انواع حکومت‌ها، به عنوان نوع مطلوب شارع مقدس دستوری وارد نشده است. چون شریعت تنها متضمن موارد ثابت دین است و طرز حکومت و شکل آن با تغییر و تحول جوامع و متناسب با آن‌ها، قابل تغییر و تعریف است.

از نظر امام خمینی شکل حکومت اسلامی نخست با الهام‌گیری از سیره حکومتی پیامبر اکرم (ص) و امیرالمومنین(ع)، و دیگر متناسب با شرایط و مقتضیات کنونی و سوم با مراجعه به آرای ملت و با اتکا به آن، تعیین خواهد شد. بر همین مبنا ایشان حکومت جمهوری اسلامی و یا نظام مردم‌سالاری دینی را پیشنهاد می‌دهد. (همان منبع: ۱۲۷)

در این خصوص می‌فرمایند: «حکومت جمهوری اسلامی مورد نظر ما از زاویه پیامبر اکرم (ص) و امام علی علیه‌السلام الهام خواهد گرفت و متکی به آرای عمومی ملت خواهد بود و شکل حکومت با مراجعه به آرای ملت تعیین خواهد شد» (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۳: ۳۳۴) و یا می‌فرمایند: «حکومت اسلامی، حکومت ملی است؛ حکومت مستند به قانون الهی و به آرای ملت است. این طور نیست که با قلداری آمده باشد که بخواهد خودش را حفظ کند». (همان، ج ۵: ۲۱۳) در حکومت پیشنهادی امام در رأس هرم قدرت ولی فقیه به عنوان حاکم اسلامی و عنصر مشروعیت‌بخش قرار دارد.

بنابراین می‌توان گفت جمهوری اسلامی پدیده‌ای نوین و انقلابی است که با دیگر ساختارها و روش‌های حکومتی دنیا متفاوت است. این نظام، ویژگی‌های خاص خود را دارد. به عنوان مثال، دین و خداپرستی را پایه حاکمیت قرار داده، استقلال‌طلبی را یکی از ارکان خود تلقی کرده، و بر آزادی و مردم‌سالاری به عنوان قدرت حقیقی انسان‌ها برای شکل‌دهی حکومت‌ها و دولت‌ها تأکید کرده است. رهبری این نظام نیز باید ویژگی‌های ممتاز، برجسته و بی‌نظیری همچون اعلم بودن به دین خدا، دانش، آگاهی گسترده نسبت به تحولات جامعه و جهان و از همه بالاتر پارسایی، دوری از هوا و هوس و تمایلات فردی داشته باشد. حفظ این ویژگی‌ها شرط قطعی تداوم مدیریت و رهبری اجتماعی این نظام است.

۵- مؤلفه‌های حکمرانی خوب در اندیشه امام خمینی(ره)

۵-۱- قانون‌مداری

اهمیت قانون و قانون‌مداری در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) را باید در راستای جهان‌بینی و الگوی مطلوب زندگی و اهداف آن، در دیدگاه ایشان مد نظر قرار داد. زیرا حضرت امام (ره) منشأ اصلی صدور قوانین و دستورات را که لازمه سعادت بشر است، ذات باری تعالی می‌داند که شرع مقدس اسلام آن را به صورت یک مکتب دینی، الهی و سیاسی ساماندهی کرده است. امام می‌فرماید:

«اسلام دین قانون است، قانون پیامبر هم نمی‌توانست خلاف کند، نمی‌کردند، البته نمی‌توانستند بکنند. خدا به پیامبر می‌گوید: «اگر یک حرف خلاف بزنی، رگ و تنت را قطع می‌کنم،

حکم قانون است، غیر از قانون الهی کسی حق ندارد، برای هیچ‌کس نیست، فقیه و غیر فقیه، همه تحت قانون عمل می‌کنند؛ مجری قانون هستند هم فقیه و هم غیر فقیه، همه مجری قانون هستند.» (امام خمینی، ۱۳۸۳، ۵۳) امام ضمن تأکید بر قانون به عنوان شالوده اجرای امور و فرآیند صدور احکام، در حالیکه قانون خود در توازی با شرع اسلام است می‌فرماید: «در حکومت اسلام، اسلام و قانون اسلام، حکومت می‌کند! افراد برای خودشان و به فکر [سلیقه و نظر شخصی] حکومت نکنند، در اسلام؛ حکومت، حکومت قانون است. حتی رسول الله (ص) و حکومت امیر المؤمنین (ع) حکومت قانون است» (همان: ۲۱).

۵-۲- مشارکت سیاسی مردم

جایگاه ویژه مردم و حضور آن‌ها در تعیین سرنوشت سیاسی خویش در اندیشه امام (ره) از اهمیت زیادی برخوردار است و در موارد متعدد به آن‌ها اشاره شده است. ایشان در کنار تأکید بر بعد اسلامیت همواره از مشارکت و رأی مردم دفاع کرده‌اند: «حکومت جمهوری مورد نظر ما از رویه پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) الهام خواهد گرفت و متکی به آرای ملت می‌باشد.» (ضمیمه ۱، ۱۳۸۸: ۱۴۵) و در ادامه می‌فرماید: «ما تابع آراء ملت هستیم، ملت ما هر طور رأی داده، ما هم از آن تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم بر ملتمان چیزی را تحمیل کنیم. اساس این است که مسأله دست من و امثال من نیست و دست ملت است» (امام خمینی، ۱۳۸۳: ۳۴).

«در ایران، ملت حکومت می‌کند، اینجا آراء ملت حکومت می‌کنند و این ارگان‌ها را ملت تعیین کرده است و تخلف از حکم ملت برای هیچ‌یک از ما جایز نیست و امکان ندارد» (همان: ۱۶۵).

۵-۳- آزادی‌های مدنی

آزادی یکی از شعارهای اساسی انقلاب اسلامی است. حضرت امام نیز در بیانات مختلف از آن دفاع نموده‌اند و به عنوان یک «حق اولیه» یاد می‌کنند. (همان: ۵۰۱). امام مصدر آزادی را ذات باری تعالی می‌دانند و در پاسخ به خبرنگار تایمز می‌گویند: «ریشه و اصل همه عقاید که مهم‌ترین و با ارزش‌ترین اعتقادات ماست، اصل توحید است. این اصل به ما می‌آموزد از هیچ انسانی نباید اطاعت کرد، مگر این‌که اطاعت او، اطاعت [از] خدا باشد. بر این اساس، هیچ انسانی حق ندارد، انسان‌های دیگر را مجبور به تسلیم در برابر خود نماید. ما از آن اصل آزادی بشر می‌آموزیم که هیچ فردی حق ندارد انسان یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند، برای او قانون وضع کند و رفتار و روابط او را به درک و شناخت خود که بسیار ناقص است یا آن را بنا به خواسته‌ها و امیال خود تنظیم نماید» (همان، ج ۵: ۳۸۷).

امام در طول مبارزات خود، چه در داخل کشور و چه در دوران تبعید، همواره از آزادی به عنوان علت مبارزات ملت ایران یاد کرده است. و نیز نه پیروی از یک ارزش غربی و جدید، بلکه به عنوان یک عنصر و ارزش فطری و بنیانی انسانی که همواره از دیدگاه الهی و وحیانی به آن نگریسته و تعلق خاطر زیادی به آن نشان داده است. امام همواره چنانچه از شعار مردمی استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی برمی‌خیزد، آزادی را در کنار استقلال و با دیدگاه خاص ایشان که برخاسته از وضعیت اعتقادی جامعه اسلامی است، مورد توجه قرار می‌دهند و می‌فرمایند: «اسلام دین آزادی و استقلال است. اسلام دینی است که همه‌کس به حقوق خودش می‌رسد و مراعات همه حقوق را می‌کند» (همان، ج ۶: ۵۲۶).

۵-۴- مبارزه با فساد

امام خمینی (ره) به عنوان یک مصلح اجتماعی که بر یک خط و مشی الهی و قرآنی، اهداف سعادت دنیوی و اخروی جامعه را در دستور فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی خود قرار می‌دهد، هدف خود را رفع فساد و رسیدن به یک جامعه توحیدمحور اعلام می‌کند. لذا معتقد بودند برقراری هر نظام سیاسی بدین دلیل که غیراسلامی است، زمینه فساد در آن بیشتر است. به تعبیر ایشان، حاکمش طاغوت است. وی در ادامه این بحث می‌فرماید «... به این دلیل، هر نظام سیاسی غیراسلامی نظامی شرک‌آمیز است، چون حاکمش طاغوت است و ما موظف هستیم آثار شرک را از جامعه مسلمانان و از حیات آن‌ها دور کنیم و از بین ببریم» (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۳۵). انتقادات ایشان بیشتر در خصوص برنامه‌های وارداتی توسعه و مدرنیزاسیون وارداتی بود که در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی، تأثیرات خود را به جای می‌گذاشت. امام با توصیف مظاهر فساد در اجتماع و ریشه‌یابی این فسادها که منشأ داخلی و خارجی آن‌ها را عیان می‌کند، همواره برای مبارزه با فساد همچنان که سیره مصلحان اجتماعی است، به بعد معنوی، روح دینی و فطری افراد در جامعه ارجاع می‌دهند و به گسترش مکارم اخلاقی توصیه می‌فرمایند. امام خمینی توجهی فراوان به رأس هرم قدرت در جامعه مبذول داشته‌اند و یکی از راهکارهای اصلاح جامعه و مبارزه با فساد را صلاحیت حاکمان می‌دانند. در کنار تأکید بر مسائل نهادی و حکومتی در امر مبارزه با فساد، امام خمینی (ره) به عنوان یک معلم اخلاق، همواره افراد را دعوت به صلاح، تربیت اخلاقی و تهذیب نفس می‌کردند و خودسازی را همواره گوشزد می‌نمودند: «اگر چنانچه ما خودمان را اصلاح نکنیم، قوانین اسلام را در خودمان اجرا نکنیم، نمی‌توانیم حکومت اسلامی تشکیل دهیم» (همان، ج ۸: ۲۸۴).

۵-۵- شفافیت و نظارت

در اندیشه امام خمینی (ره) به صراحت واژه‌ای که امروز به عنوان شفافیت از آن تعریف و نام برده می‌شود، بیان نشده است. اما با بررسی متون، سخنرانی‌ها و بیاناتشان و با تأکیدی که بر سایر مؤلفه‌های دموکراتیک مانند آزادی، مطبوعات آزاد، آزادی گروه‌ها و احزاب، مشارکت، مجلس، انتخابات و... داشته‌اند، می‌توان به خوبی و وضوح کامل تأیید ایشان را بر مقوله شفافیت و استلزام آن درک کرد. به عبارتی، امام بر جریان آزاد اطلاعات و آگاهی مردم از آن صحنه می‌گذارند. امام در این خصوص در دیدار با مسئولان و مدیران دولت می‌فرمایند: «ما باید هرکاری که می‌کنیم، شما آقایان هرکاری که می‌کنید، به مطبوعات در رادیو - تلویزیون، در رادیو - مطبوعات عرضه کنید» (امام خمینی، ۱۳۸۳: ۳۸۹). وی در دیدار با ائمه جمعه و جماعات با تأکید بر این حق مسلم مردم یعنی آگاهی شفاف و کامل (در حدود قانون و با رعایت مراتب امنیت) سفارش می‌کنند:

«ائمه جماعات و ائمه جمعات همه توجه کنند به اینکه تکلیفشان این است که مسائل را به ملت بگویند و توجه مردم را به مسائل سیاسی و مسائل اجتماعی جلب کنند» (همان، ج ۱۵: ۴۱۶). بدین ترتیب نظر امام در مورد مقوله شفافیت کاملاً این فرض را تأیید می‌کند. با توجه به اصول حکمرانی و دموکراسی، به عنوان یک روش حکومت و مؤلفه‌هایی که موجودیت این روش را تأمین می‌کنند، امام این موضوع را در کنار سایر مؤلفه‌ها قرار می‌دهند و اگرچه بطور علمی و نظام‌مند به این بحث نپرداخته‌اند، اما از سیره ایشان در طول حکومت و نیز آثار مکتوبشان این نظر تأیید می‌شود.

۵-۶- پاسخگویی

در دیدگاه امام خمینی (ره)، به عنوان ادامه این سنت حکم این که منبعث از تعالیم الهی است، «پاسخگویی» در کنار سایر مؤلفه‌های دموکراتیک از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و امام همواره از مردم می‌خواستند حاکمان و مدیران سیاسی جامعه را استیضاح کنند و از ایشان در مورد کارهایشان توضیح بخواهند. امام خمینی (ره) با تأکید بر امور پاسخگویی در این خصوص می‌فرمایند: «من از کسانی که با من ملاقات دارند و هر روز می‌آیند، خواهش می‌کنم این را به مردم بگویند که در خانه ما باز است». امام در ارتباط با اهمیت حضور مردم و مشارکت آن‌ها و لزوم ارائه گزارش عملکرد دولت به مردم تأکید می‌ورزند و می‌فرمایند: «چنانچه بارها تذکر داده‌ام، دولت، بدون شرکت ملت و توسعه بخش‌های خصوصی جوشیده از طبقات محروم و همکاری با طبقات مختلف مردم با شکست مواجه خواهد شد». (همان، ج ۱۹: ۱۵۸).

۵-۷- وفاق در تصمیم‌گیری‌ها

امام خمینی (ره) به عنوان سیاستمداری که سیاست و نظام تفکرش بر اساس جهان‌بینی توحیدی و الهی است و حرکتش در راستای حرکت انبیا است، چنانچه خود بارها تأکید می‌کردند به دنبال برقراری جامعه‌ای است که بر محور عدل و قسط اداره و تدبیر شود. این عدل و قسط محقق نمی‌شود مگر با شرکت آحاد جامعه اسلامی و تأکید بر ضرورت مشارکت همه اقشار، گروه‌ها و اقلیت‌ها در تصمیم‌گیری‌ها که رفاه و سعادت همه را تأمین می‌کند فارغ از اینکه بر اختلافات و مسائل انگشت گذاشته شود و مصداق آیه شریف «واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا»؛ (همه باید بر ریسمان محکم الهی (که همانا فارغ از رنگ، نژاد و گروه به معنی واقعی دغدغه آن روح انسانی مردم است) تمسک جویند». امام خمینی (ره) همواره به وحدت و وفاق تمام قشرهای اجتماع علاقه‌مند بودند و همیشه به «وحدت‌کلمه» سفارش می‌نمودند. ایشان با تأکید بر آزادی اقلیت‌های مذهبی و گروه‌ها از آن‌ها برای تحقق استقلال و آزادی دعوت می‌کردند تا از عناصر بنیادین که از شعارهای انقلاب است تلاش و حمایت نمایند. زیرا رمز موفقیت انقلاب در سرنگونی دیکتاتوری شاهنشاهی اهمیت این عنصر را در جامعه ایران بر همگان آشکار ساخته بود. «ما همیشه به همه طبقات و قشرها توصیه کرده‌ایم اختلافات خود را کنار بگذارند و همه با هم برای نجات ملت و مملکت خدمت کنند» (همان، ۳۹۶). «برادرها به اسلام روی بیاورند. همه به اسلام توجه کنید. از تفرقه دست بردارید، به وحدت‌کلمه توجه کنید. این رمز پیروزی شماست» (همان، ج ۹: ۸۴). در حقیقت آرمان الهی امام خمینی (ره) همان‌طور که فرموده‌اند: «هر اجتماع مطلوب نیست، واعتصموا بحبل الله مطلوب است، همان است که افراد به اسم ربک (اسم رب همان ریسمانی است که به آن باید اعتصام کنند) به وحدت دعوت کنید» (همان، ج ۸: ۳۸۴).

به این ترتیب، در مجموع آرمان امام یعنی جامعه مطلوب، جامعه در صراط مستقیم با توسل و تمسک به ریسمان الهی (قوانین شرعی و الهی که مبنای تصمیم‌گیری باید باشد) مقدور است.

۵-۸- عدالت اجتماعی

برقراری عدالت اجتماعی و برپایی قسط که به عنوان والاترین و ارجمندترین هدف رسالت انبیا الهی مطرح شده است، از مهم‌ترین وظایف نظام حکومتی در اسلام است و در تصمیم‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها باید به آن توجه داشت. قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید: «ما پیامبرانمان را با دلایل روشن فرستادیم و بر آن‌ها کتاب و ترازو و [معیار سنجش] نازل کردیم تا مردم به عدالت و قسط عمل کنند». (سوره حدید: آیه ۲۵).

امام خمینی (ره) نیز در راستای همین حرکت قرآنی، هدف نهایی اسلام را برقراری عدالت و تشکیل حکومت در جهت این مقصود معرفی می‌کنند:

«اسلام حکومت است با تمام شئون آن، احکام شرعی قوانین اسلام است و قوانین شأنی از شئون حکومت است؛ همه احکام برای اجرای حکومت و بسط عدالت مطلوب بالعرض و امور عالی

است» (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۴۷۲). «ما می‌گوییم حکومت اسلامی، حکومت عدالت، یک حاکمی باید باشد به بیت‌المال خیانت نکند و آن را بردارد، ما این یک مطلب را می‌گوییم. این مطلبی مطبوع است که در هر جامعه بشری گفته شود، از ما می‌پذیرند» (امام خمینی، ۱۳۸۳: ۵۰۹). بدین ترتیب، با اشاره صریح و روشن امام خمینی (ره) به مقوله حکومت اسلامی و عدالت، و هم‌عرض و مترادف دانستن عدالت با اسلام، مهم‌ترین اصل و شالوده برنامه‌های زندگی فردی و اجتماعی باید بر آن اساس و موازی با آن تنظیم شود.

۵-۹- استقلال قوا

یکی از مؤلفه‌های حکومت دموکراتیک، وجود قوای مستقل از یکدیگر است که از یک طرف موضوع نظارت بر روند ساماندهی اداره کشور را امکان‌پذیر می‌نمایند و از طرف دیگر، توزیع قدرت و پاسخگویی نسبت به عملکرد یکدیگر را فراهم می‌نمایند. «اصل تفکیک و تعامل قوا به عنوان یک اصل سازمانی در خدمت حقوق بشر و آزادی‌ها بوده و با توزیع و سرشکن نمودن اقتدار سیاسی، نظام پاسخگویی و نظارت متقابل را ایجاد می‌کند که حاصل آن حکومت پاسخگو، شفاف و قانون‌مند است» (زارعی، ۱۳۸۳: ۱۵۶) امام خمینی (ره) در مقام یک رهبر و ناظر بر عملکرد قوا، همواره به این امر مهم یعنی؛ تفکیک و استقلال قوا توجه زیادی داشتند و در مناسبت‌های گوناگون و یا با دیدن برخی از مسائل در ارتباط با سه قوه این امر را تذکر می‌دادند و بطور صریح می‌فرمودند:

«نباید قوه اجرائیه دخالت بکند. باید همان‌طور که قانون اساسی اسلامی مقرر کرده و ملت به آن رأی داده است، عمل کند و سبب نشود که هر طایفه برای خودشان حکومتی داشته باشند و کارهایی برخلاف مقررات بکنند» (امام خمینی، ۱۳۸۳: ۱۳۵).

امام با هشدار به این‌که دخالت‌های قوا در کار یکدیگر موجب هرج و مرج (که زمینه بی‌عدالتی و فساد در آن وجود دارد) می‌شود، اظهار می‌کنند: «اگر قرار باشد کسی که کار خودش را انجام می‌دهد، به کار دیگری هم دخالت کند. به عنوان مثال؛ قاضی بخواهد قوه مجریه خویش باشد، قوه مجریه هم بخواهد قاضی خودش باشد، این هرج و مرج است. این‌ها مستقل از هم هستند و هرکدام باید کار خودشان را انجام دهند» (همان، ج ۱۳: ۱۱۷).

۵-۱۰- کارایی و اثربخشی

یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که مطلوبیت یک حکومت را ضامن می‌شود، کارایی و اثربخشی در بهبود زندگی افراد جامعه است؛ بطوری‌که هرچه یک حکومت از پاسخ به نیازهای معیشتی مردم بهتر بتواند برآید، مشروعیت و جلب مشارکت مردم در پیشبرد امر حکمرانی را بیشتر بدست می‌آورد. امام خمینی (ره) همواره در طول دوران حکومت به این امر توصیه می‌کردند و

یادآور می‌شدند: «آنچه اساس ضعف دولت و جدایی مردم از دولت است عبارت از: کیفیت عمل دستگاه‌هاست (همان، ج ۱۳: ۳۷۹). سپس امام با اشاره به وضعیت رژیم‌های گذشته (قاجاریه و پهلوی) از فساد، رشوه و رسم تیول‌داری این حکومت‌ها سخن می‌گوید و نیز عملکرد آلوده به فساد دستگاه‌های آن حکومت‌ها را عامل فساد و جدایی بین دولت و ملت می‌داند. امام با اشاره به اصل کارآمدی و توانمندی افراد که توانمندی دولت را به دنبال دارد می‌فرماید: «این اشخاصی که انقلابی نیستند، باید در رأس وزارتخانه‌ها نباشند و آقای بنی‌صدر باید امثال این‌ها را به مجلس معرفی نکند و اگر کرد، مجلس رد بکند و هیچ اعتنا نکند، مگر وزیری کارآمد و اسلامی باشد و مسامحه‌کار نباشد.» (همان، ج ۱۳: ۵۱). در مجموع، حضرت امام در مورد وظایف دولت که ناظر بر کارآمدی و بهبود بهره‌وری از کار آن است و اثربخشی آن را به دنبال دارد، بر چهار وظیفه محوله تأکید دارند:

الف) نظارت بر تنظیم بازار؛ ب) تخصیص بهینه منابع؛ ج) تجارت خارجی [توسعه تجارت خارجی با در نظر گرفتن اصل استقلال و خودکفایی و جلوگیری از ورود صنایع مونتاژ]؛ د) حمایت از صنایع داخلی (حسین‌زاده، ۱۳۷۹: ۶۹).

۶- الگوی اثربخش اسلامی و ایرانی مؤلفه‌های حکمرانی خوب از منظر امام خمینی(ره)
براساس آنچه در مورد مؤلفه‌های حکمرانی خوب گفته شد، ارائه هرگونه الگوی اسلامی و ایرانی حکمرانی نیز باید بتواند نسبت به تحقق عملیاتی اهداف کشور موفق عمل کند و در عین حال منجر به افزایش مشروعیت، کارآمدی و عدالت شود؛ بر این اساس در ادامه این مقاله به تبیین مهم‌ترین ملاحظات نظری و کانون‌هایی خواهیم پرداخت که در اندیشه امام خمینی(ره) به تدوین یک الگوی کارآمد اسلامی و ایرانی حکمرانی خوب مورد توجه قرار گیرد.

۶-۱- تعریف و تأمین منافع ملی

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های نظریه حکمرانی خوب تأکید بر نگاه استراتژیک مردم، رهبران و همچنین داشتن چشم‌انداز جامع و بلند مدت بر مبنای پیچیدگی‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی است؛ در همین حال هر واحد سیاسی جهت دفاع از موجودیت و حرکت خود منافی را تعیین می‌کند و در مقام ایجاد امنیت برای آن‌ها برمی‌آید (مورگنتا، ۱۳۷۶: ۱-۲۴). طبیعی است که لازمه‌ی انجام چنین کاری، وجود میزانی از انسجام درونی است. زمانی که از انسجام درونی بحث می‌شود، به این معناست که همه‌ی نهادها، چه در حوزه‌ی اجتماع عمل کنند و چه در حوزه‌ی سیاست، در جهت پیشبرد اهداف کلی جامعه سیاسی قرار می‌گیرند. در حال حاضر به دلیل رشد و قوام مفهوم وفاداری به موطن قومی و کشور، از این هدف کلی به «منافع ملی» تعبیر می‌شود. (رجایی، ۱۳۷۲: ۷۷۶)

تشتت و تعدد در مورد مفهوم منافع ملی سبب می‌شود که از آن به عنوان مفهومی بومی استفاده شود. بر این مبنا هر واحد دولت - ملتی بر حسب نیاز، توانایی و محدودیت‌های خود باید به

تعریفی صریح و به دور از ابهام دست یابد. به بیانی بهتر؛ نظام‌های ملی از آنجا که هرکدام در یک شرایط ویژه و منحصر به فرد قرار دارند، براساس عقلانیت سیاسی و ملی، به دور از هرگونه شعارزدگی، با توجه به نیازها، تهدیدات، جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین امکانات و محدودیت‌ها، جمعیت، وسعت سرزمینی و جغرافیای سیاسی و اقلیمی خود، باید اهداف و منافع ملی خود را به صورتی طراحی و اولویت‌بندی کنند که با کمترین هزینه بدان نائل آیند؛ بنابراین نظام جمهوری اسلامی نیز به عنوان واحد دولت-ملت باید به صورتی منافع و اهداف ملی خویش را تنظیم کند که علاوه بر حفظ بقای خود، بتواند با پرداخت هزینه‌های اندک و با کنترل تهدیدها و مقابله با خطرات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به آرمان‌های خود دست یابد، یعنی بتواند هم در داخل حیات طبیعی‌ای ایجاد کند که این مهم از طریق توسعه‌ی همه‌جانبه قابل تحقق می‌باشد و هم در راستای کار ویژه‌ی جهانی خود که همانا صدور ارزش‌های اسلامی و انسانی انقلاب اسلامی است، توفیق حاصل نماید. (شریعتی و سلیمانی پور، ۱۳۹۴: ۱۱)

انقلاب اسلامی پس از پیروزی و تشکیل دولت جمهوری اسلامی، دارای دو کار ویژه‌ی اساسی شد. به عبارتی این انقلاب که بنا بر سخنان بنیانگذار آن، متعلق به ابنای بشر است. زیرا بر اساس اسلام است و اسلام نیز برای همه بشریت نازل شده است، دارای یک کارکرد داخلی و یک کارکرد خارجی است. به بیان بهتر؛ جمهوری اسلامی از سویی در قبال شهروندان خود مسوؤل بوده و باید بتواند کشور را پیشرفته و آباد سازد، از امنیت آن دفاع کند و مردم را به سعادت دنیوی و اخروی سوق دهد که این امر خطیر جز از طریق توسعه‌ی اقتصادی و دینی قابلیت اجرا ندارد و از سوی دیگر نیز جمهوری اسلامی به موجب رسالت اسلامی، وظیفه‌ای جهانی دارد. دین اسلام برای خود وظیفه‌ای جهانی قائل است که بر اساس باور اسلامی، سرانجام عالمگیر خواهد شد. انقلاب اسلامی باید با تشویق مسلمانان منطقه به همگرایی، سرزمین‌های اسلامی را متحد ساخته و نیز در عرصه‌ی بین‌المللی از مظلومان عالم و کشورهای ستمدیده در مقابل مستکبران و ستمگران غرب و شرق دفاع کند، و آن‌ها را در راه انقلاب جهانی فرا خواند. این وظیفه و کارکرد دوم نیز نشان از آن دارد که جمهوری اسلامی برای توفیق در این هدف عالی و ارزشمند، نیاز به تأمین بقای خویش، کسب قدرت و ارائه الگویی دنیوی و طیبه دارد. در بررسی الزامات و ضرورت‌های مطروحه در شکل‌گیری و تعیین سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی، دو جنبه‌ی متفاوت مشاهده می‌شود. جنبه‌ی اول به این مهم اشاره دارد که ایران یک محدوده‌ی سرزمینی و یک واحد سیاسی در نظام دولت-ملت است که عضو خانواده‌ی جهانی است؛ بنابراین خواه ناخواه متأثر از قواعد، قوانین و هنجارهای حاکم بر روابط و نظام بین‌الملل معاصر و همچنین متأثر از الزامات و تعهداتی است که یک دولت ملی در قبال کشور و جمعیت مستقر در آن بر عهده دارد. جنبه‌ی دیگر آنکه در این محدوده‌ی سرزمینی و این چارچوب از قبل آماده شده و تا حد زیادی قالب‌بندی شده، یک نظام اسلامی طی یک حرکت انقلابی فراگیر مردمی، مستقر گردیده است که قبل از هر چیز

مشروعیت آن ناشی از اسلام، عقیده‌ی اسلامی و تعهد به آرمان‌های اسلامی می‌باشد. بر این اساس هویت اسلامی و بقای نظام جدید در گرو اسلامی ماندن آن است. این مسأله که نظام جمهوری اسلامی ایران، ترکیبی از دو خصیصه‌ی اسلامی و ملی است، شاید در وهله‌ی اول تعریفی ساده به نظر برسد و موجب عبوری سهل‌انگارانه گردد (نخعی، ۱۳۷۶: ۲۶۶-۲۶۹). از این جهت، جمهوری اسلامی در طرح‌ریزی منافع ملی و حفظ مصالح اسلامی، بسیار باید نسبت به دیگر کشورها، دقیق‌تر عمل نماید. در این ارتباط جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۴ با ارائه سند چشم‌انداز بیست ساله، تلاش کرد تا برای تحقق اهداف ملی خود، نقشه‌ی راهی را ترسیم کند که در آن منافع ملی نیز تأمین گردد. در واقع این چشم‌انداز با بیان اینکه کشور باید از نظر علمی، اقتصادی و نظامی منطقه، در جایگاه نخست قرار گیرد، در پی آن است که تعریفی منحصر به خود از منافع ملی را مد نظر قرار دهد و به موجب این منافع ملی به اهداف ملی و فراملی خویش دست یابد. افزون بر این، جمهوری اسلامی به دلیل وجود بینش اسلام شیعی، می‌بایستی ملزومات نیل به «منافع ملی» و «مصالح دینی» را در نظر گرفته و هر دو را با هم پیش ببرد.

این ترکیب منافع ملی و مصالح اسلامی و شیعی، نیاز به ارائه الگویی بومی از توسعه و پیشرفت را بیش از پیش نشان می‌دهد و نیز بر این نظر تأکید می‌کند که نظریات نوسازی و توسعه‌ی غربی پاسخگوی اهداف مورد تأکید نخواهند بود و جمهوری اسلامی ایران به عنوان الگوی جدید حکمرانی برای انسان معاصر، نمی‌تواند در این زمینه بر الگوهای سکولار متکی باشد؛ بدین ترتیب ملاحظه می‌شود؛ تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با منافع کلان ملی جمهوری اسلامی از حیث ایجاد الگوی منحصر به فرد توسعه، پیوستگی و وابستگی تام و تمام دارد و با این وصف می‌تواند با اتکا به تجربیات بشری در قالب حکمرانی خوب ضمن تعریف و تأمین منافع ملی، کارایی و توانمندی خود را بیشتر گسترش دهد. (شریعتی و سلیمانی پور، ۱۳۹۴: ۱۳)

۶-۲- توانایی ساخت الگوی حیات طیبه

رعایت عدالت به همراه توان پاسخگویی و کارآیی از آموزه‌های مهمی است که نظریات حکمرانی خوب بطور معمول بر آنها تأکید دارند. از سوی دیگر، امام خمینی با احیای اصول اسلامی دعوت و اتحاد ملل مسلمان و حمایت از مظلومین و هویت‌بخشی به واژگانی نظیر «مستضعف» در برابر «مستکبر»، «اسلام ناب محمدی» در برابر «اسلام آمریکایی»، «کوخ نشین» در مقابل «کاخ نشین»، «اتحاد مسلمین» در برابر «نظام دو قطبی»، «امتزاج دین و سیاست» در مقابل «سکولاریسم»، گفتمان و اندیشه‌ی اسلامی خویش را مطرح ساخت. تمامی این واژگان حول اسلام و اهداف اسلامی گرد می‌آمدند و هدف از اعلام و احیای این ارزش‌ها برای نیل به غایت اصلی اسلام، یعنی سعادت و کمال بشریت بود. ماهیت اصلی تفکر بنیادگذار انقلاب اسلامی نفی ظلم‌پذیری، نفی سلطه‌گری، نفی سکوت و برخورد انفعالی است. امام خمینی انقلاب اسلامی مردم ایران را متعلق به تمامی بشر دانسته و به همین دلیل همه‌ی ملل را به این ارزش‌ها دعوت

نمودند و مسأله صدور معنوی انقلاب اسلامی را مطرح ساختند. (شریعتی و سلمانی پور، ۱۳۹۴: ۱۲)

«ما که می‌گوییم «انقلابمان را می‌خواهیم صادر کنیم»، می‌خواهیم این را صادر کنیم، می‌خواهیم این مطلب را، همین معنایی که پیدا شده، همین معنویتی که پیدا شده است در ایران، همین مسائلی که در ایران پیدا شده، ما می‌خواهیم این را صادر کنیم. ما نمی‌خواهیم شمشیر بکشیم و تفنگ بکشیم و حمله کنیم. عراق با ما الان مدت‌هاست دارد حمله می‌کند و ما هیچ حمله‌ای به آن‌ها نمی‌کنیم. آن‌ها حمله می‌کنند ما دفاع می‌کنیم... ما می‌خواهیم که این انقلابمان را، انقلاب فرهنگی‌مان را، انقلاب اسلامی‌مان را به همه ممالک اسلامی صادر کنیم. و اگر این انقلاب صادر شد، هر جا صادر بشود این انقلاب، مشکل حل می‌شود» (امام خمینی، ج ۱۳۸۶: ۹۱، ۱۳).

به همین منظور در بند ۱۶ اصل سوم قانون اساسی، دولت موظف به تنظیم سیاست خارجی بر اساس اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه‌ی مسلمانان و حمایت از مستضعفان جهان است. از مهم‌ترین مفاهیم صدور انقلاب در قانون اساسی می‌توان به این موارد اشاره کرد: حمایت از مبارزه‌ی حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمین جهان، ائتلاف و اتحاد ملل مسلمان و وحدت جهان اسلام. امام خمینی با اعتقاد به اینکه اسلام راه کمال و سعادت انسانی در دنیا و آخرت است، بر ارائه الگوی حیات طیبه از جانب نظام جمهوری اسلامی ایران به تمام جهانیان، تأکید بسیار داشتند که این امر افزون بر ارتقای سطح زندگی مردم و رفاه اجتماعی و اقتصادی جامعه‌ی ایرانی - اسلامی، می‌تواند ارزش‌های انقلاب اسلامی را به بهترین نحو ارائه و صادر کند:

«ما از خداوند می‌خواهیم که این نهضت اسلامی و نهضت انسانی سرمشق باشد از برای تمام مستضعفین، و هشدار باشد بر مستکبرین. مستکبرین گمان نکنند که باید حکومت کنند بر مستضعفین و آن‌ها را استعمار و استثمار کنند. مستضعفین حکومت را به عنوان حکومت نشناسند بلکه به عنوان خدمتگزار بشناسند» (امام خمینی، ج ۷، ۱۳۸۶: ۱۱۹).

از سوی دیگر بنیانگذار انقلاب اسلامی از منظری واقع‌گرایانه تأکید می‌کند که از دست رفتن نظام اسلامی در ایران چه خسارت عظیمی است:

«و من به شما عرض کنم که اگر خدای نخواست، خدای نخواست که ایران سیلی بخورد، بدانید که در همه دنیا سیلی خواهد خورد؛ و بدانید که به این زودی دیگر نمی‌تواند سرش را بلند کند. این الان یک تکلیف بسیار بزرگی است که از همه تکالیف بالاتر است، حفظ اسلام در ایران» (امام خمینی، ج ۱۷، ۱۳۸۶: ۳۸۴).

آنچنان که برخی از پژوهشگران معتقدند؛ انقلاب اسلامی در واقع نخستین جنبش سیاسی و اسلامی بود که به موفقیت رسید و بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی با قدرت‌های شرق و غرب به ستیزه پرداخت و روحی از شادی و شرف را بدین وسیله در جهان اسلام ایجاد نمود

(اسپوزیتو ووال، ۱۳۹۰: ۱۲۸). سخن فوق بدان معناست که حفظ جمهوری اسلامی نه تنها به موجب نگرشی ملی بلکه در جهت حفظ اسلام و دین اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد، و همین امر ضرورت تلاش را بیش از پیش آشکار می‌کند. اما به یقین این مهم تنها با ایجاد یک الگوی ملی قدرتمند محقق خواهد شد و البته رسیدن به این هدف جز با توسعه‌ی ملی و ارتقای علمی بدست نخواهد آمد.

وجود دو کارکرد ملی و فراملی انقلاب اسلامی یعنی؛ ایجاد نظامی اصیل مبتنی بر اصول اسلامی و توسعه یافته با بهره‌گیری از اندیشه‌های بومی و همچنین ارائه راه حلی منطقی و علمی به کشورهای مسلمان و مردم جهان، برای رها شدن از ظلم مستکبران و نیز ارائه الگوی توسعه‌ی الهی به این معنا که سعادت دنیا و نیز نیل به کمال الهی را توأمان در خود جای دهد، موجب می‌شود که منافع ملی و مصالح اسلامی با یکدیگر مزوج شده و اهداف این نظام را بیش از پیش آرمانی و متعالی سازد. جمهوری اسلامی در واقع نمی‌تواند بدون کسب قدرت و ثروت، این اهداف را محقق ساخته و منافع و مصالح ملی - اسلامی را حفظ کند.

بدین ترتیب و با توجه به ریشه‌های شکل‌گیری انقلاب اسلامی نمی‌توان ضرورت ساخت الگوی حیات طیبه را نادیده گرفت و به صورتی سهل‌انگارانه از کنار آن گذشت. زیرا این انقلاب امری دفعی نبوده و واقعه‌ای ریشه‌دار و تقابلی تاریخی است؛ بدین صورت که آغاز آن به تلاش برای مدرنیزاسیون و ساخت دولتی بر پایه‌ی الگوی مدرن غربی باز می‌گردد که از منظر روحانیت و علمای شیعه این امر سبب تحدید نفوذ اسلام و شریعت در زندگی مردم می‌شد و به نوعی اجرای احکام و قوانین اسلامی را با ابهام روبرو می‌ساخت. از آنجا که دولت پهلوی اول تلاش می‌کرد از طریق مدرنیزاسیون، سکولاریزاسیون و ایدئولوژی ناسیونالیسم باستان‌گرا، قدرت دولتی را مضاعف ساخته و ایدئولوژی و گفتمان تشیع را تضعیف کند (غنی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۳۵ و سینایی، ۱۳۸۴: ۱۸۸)، علما و نیروهای مذهبی می‌کوشیدند در برابر این تهدید وارداتی ایستادگی نمایند. این امر در واقع نشان می‌دهد که دشمن اصلی اسلام شیعی در ایران، نه حکومت پهلوی، بلکه مدرنیسم غربی بود. به همین جهت مبارزه‌ی انقلابیون دو وجه داخلی و خارجی داشت؛ بصورتی که در بعد داخلی با شاه و سیاست‌های وی مبارزه می‌شد و در بعد خارجی با دولت‌های مدرن و پیشرفته‌ی غربی بویژه ایالات متحده به عنوان مشوقان اصلی دولت پهلوی در انجام اقدامات مدرن و ضد مذهب مخالفت می‌گردید (بدیع، ۱۳۸۰: ۲۵۶).

بر این پایه می‌توان چنین استنتاج نمود که نیروهای مذهبی و پیروان انقلاب اسلامی با نفی مدرنیسم و نوسازی با الگوی غربی و وارداتی، اولین اقدام (سلبی) را انجام دادند و در اقدام دوم که از مرحله‌ی نخست بسیار مهم‌تر و دشوارتر به نظر می‌رسد، باید عملکردی اثباتی داشته و مدل و الگوی جدید، کارآمد، واقع‌گرایانه و قابل دست‌یابی بر اساس مؤلفه‌ها و مبانی اسلامی، ایرانی و شیعی ارائه نماید تا در مبارزه به پیروزی دست یابد. به بیانی بهتر می‌توان گفت که انقلاب

اسلامی توانست در سال ۱۳۵۷ در اولین گام به صورتی سلبی مخالفت خود را با نوسازی غربی و دولت مدرن اعلام نماید و نماد آن را ساقط کند، اما برای پیروزی نهایی در برابر الگوی دولت مدرن باید خود نیز در گامی اثباتی الگویی بر پایه‌ی ایدئولوژی و معیارهای اسلامی ارائه نماید تا در هدف خود به توفیقی حقیقی نایل گردد و در عین حال فرایند صدور انقلاب را تکمیل کند. با توجه به آنچه بیان شد، نظام جمهوری اسلامی به عنوان راه جدید زیستن، که در آن هدف تعالی انسانی و حیات طیبه است، چاره‌ای جز ارائه الگوی کارآمد برای مردم جهان ندارد. در واقع جمهوری اسلامی باید به منظور اثربخشی الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت ضمن دست‌یابی به علوم و نرم‌افزارهای نوین بتواند با بهره‌گیری از آموزه‌های حکمرانی خوب به همراه آموزه‌های تشیع، مفهوم حیات طیبه را در برابر حیات مبتنی بر کسب لذت و منفعت در نظام جهانی صورت-بندی کند و در مقابل مزایای عملی شیوه‌های سبک زندگی مؤمنانه و زیست ایمانی را بیش از پیش به جهان تحت حاکمیت پارادیم سرمایه‌داری نشان دهد.

۶-۳- توانایی تولید ثروت ملی

آنچنان که پیشتر گفتیم، حکمرانی خوب مستلزم کارایی و اثربخشی و همچنین ایجاد شفافیت است؛ جمهوری اسلامی بنا بر منطق گفتمانی خود، دارای اهداف و آرمان‌های متعالی و فراملی است که برای نیل به آن‌ها امکانات فراوانی را لازم خواهد داشت، که از جمله این امکانات ثروت هنگفتی است که از طریق آن می‌تواند در مسیر ساخت حیات طیبه، نفی سبیل، تألیف قلوب، کمک به جنبش‌های اسلامی و رهایی‌بخش و مبارزه علیه استکبار جهانی، یا چالش کمتر و همچنین استقبال بیشتری مواجه شود. تردیدی نیست که برای صدور ارزش‌های گفتمانی، ساخت حیات طیبه و به بیانی دیگر ایجاد ایرانی توسعه‌یافته ضروری است؛ این امر بدون داشتن مؤلفه‌هایی خاص حاصل نخواهد شد.

هر کشوری با توجه به توانمندی‌های انسانی، اقتصادی، صنعتی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، مسیر توسعه‌ی پایدار را برای خود تعریف می‌نماید. اما آنچه که وجودش در این مسیر بسیار جدی و ضروری بوده و بدون آن نمی‌توان به توسعه رسید، وجود نیروی انسانی کارآمد می‌باشد. بسیاری از کشورها با اتکا به همین مؤلفه توانسته‌اند در زمره‌ی کشورهای پیشرفته و توسعه یافته قرار گیرند؛ در حالیکه کشورهای زیادی وجود دارند که با منابع فوق‌العاده غنی و ثروت‌های طبیعی نتوانستند از عقب‌ماندگی رهایی یابند. به همین جهت می‌توان توسعه‌ی منابع انسانی را مهم‌ترین عامل و ضرورت در جهت نیل به توسعه‌ی پایدار تلقی کرد. اما این نیروی انسانی زمانی توسعه یافته خواهد بود که به سلاح علم و فناوری مجهز باشد و در واقع توسعه‌ی دانایی محور را در دستور کار خود قرار دهد (زلفی گل، ۱۳۸۳: ۱۶). از آنجا که در جهان امروز نیروی کار یدی در حال محو شدن می‌باشد و تفکر، خلاقیت و تولید اطلاعات محور رشد کشورها تلقی می‌شود. (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۳۶۹). بنابراین، بسترسازی مناسب برای تحقق الگوی مبتنی بر تولید ثروت در الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت ضروری به نظر می‌رسد و جمهوری اسلامی نیز ناگزیر

از تولید ثروت برای تحقق اهداف موردنظر است. بر این مبنا تولید دانش و فناوری روزآمد و نوین و صدور آن به کشورهای دیگر، بدون تردید سبب تولید ثروت خواهد شد و تغییر شیوه مدیریت، افزایش ابداعات، اختراعات، افزایش کیفیت و سطح بهره‌وری در صنایع جدید و نظایر آن می‌تواند به صورت طبیعی در تولید ثروت ملی نقش بزرگ و اساسی ایفا کند و کشور را از اتکا به ثروت‌های زیرزمینی و منابع فانی برهاند. مبنای ثروت‌آفرینی و اقتصاد امروز، دانش و تخصص است و جهان بیش از هر زمان دیگری میدان مسابقه‌ی اقتصادی شده و صنعت از هر دوره‌ی دیگری بیشتر به دانش و اندیشه متکی است. در واقع دانش، شرط اصلی بقاست و غفلت از آن سبب واگذاری توسعه‌ی اقتصادی و تولید ثروت به رقبا خواهد شد. همچنین در عصر حاضر به دلیل کاهش سطح منابع طبیعی، تولید دانش جدید و روزآمد می‌تواند در عرصه‌ی تولید از «چه باید تولید کرد» به «چگونه می‌توان از منابع بهترین بهره‌برداری را داشت» حرکت کرده و چالش کمبود مواد خام را تا حد زیادی از میان بردارد. (رجایی، ۱۳۸۰: ۱۱۲) بدین ترتیب ملاحظه می‌شود تولید و افزایش ثروت ملی نیز باید یکی دیگر از ارکان اثربخشی الگوی موفق اسلامی و ایرانی پیشرفت باشد که خود می‌تواند از طریق توجه به برخی آموزه‌های حکمرانی خوب محقق شود.

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر تلاش شد علاوه بر معرفی نظریه حکمرانی خوب که مبتنی بر خرد جمعی و مطرح شده از سوی بانک جهانی و کارشناسان و متخصصان آن است؛ نگاهی اجمالی به مؤلفه‌های حکمرانی خوب بر اساس اندیشه‌های امام خمینی(ره) صورت گیرد. بر همین اساس ضمن مروری بر تعاریف و مؤلفه‌های حکمرانی خوب، به بیان ضرورت‌های واقع‌گرایانه الگوی اسلامی و ایرانی حکمرانی خوب بر مبنای اندیشه‌های امام خمینی پرداختیم. اذعان می‌داریم که جمهوری اسلامی به عنوان نظامی مبتنی بر اسلام شیعی که ارزش‌های خود را متعلق به همه ابنای بشر می‌داند، باید به ساخت الگوی حکمرانی خوب بر اساس اندیشه امام خمینی، مبادرت ورزد. در مجموع می‌توان مؤلفه‌های نظریه نامبرده در اندیشه امام را اینگونه باید برشمرد:

۱. مؤلفه‌های حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی امام اهدافی والاتر از زندگی دنیوی است که همانا رستگاری اخروی و سعادت واقعی را مد نظر دارد و کلیه احکام و دستورات دینی - سیاسی، بعدی اخلاقی و شرعی را در بر می‌گیرد.

۲. امام در تعریف و تحدید آزادی‌ها، نگرشی شرعی و اسلامی دارند و لذا این موضوعات باید در انسجام با مبانی هستی‌شناختی ایشان تفسیر گردد و بدان پرداخته شود.

۳. امام به عنوان یک روحانی و عضوی از یک قشر فرهنگی با دقت در مظاهر مختلف سیاست‌گذاری‌ها در زمینه فساد یا عدم فساد بر بعد زندگی اخلاقی انگشت می‌گذارند؛ لذا در موضوع حکمرانی خوب که ناظر بر عدم فساد است، در یک دیدگاه کلان به آن توجه دارند و

مظهر عدم سلامت و فساد ساختار سیاسی را فساد اخلاقی معرفی و به اشکال گوناگون در جامعه و در سیاست خود آشکار می‌کنند.

۴. حکومت مورد نظر امام خمینی در اساس حکومتی است که براساس عدالت بنا شده باشد و بر مبنای عدالت نیز اداره شود.

۵. حکومت اسلامی (قانونی): منظور امام از اسلامی بودن حکومت نیز همین است که بر قوانین الهی و دینی اسلام بنا شده باشد. حکومت اسلامی در منظر او حکومتی است که هدف آن تحقق احکام اسلام است، قوانین آن قوانین اسلام است و بنیاد و اساس آن را نیز جهان‌بینی اسلامی تشکیل می‌دهد.

۶. الهی و معنوی بودن حکومت.

۷. مردمی بودن حکومت و اتکا به آرای عمومی مردم.

۸. غیراستبدادی و غیرتحمیلی بودن حکومت.

۹. هدف حکمرانی مورد نظر امام تأمین سعادت بشر است.

۱۰. تساوی همه طبقات، اقشار و افراد جامعه در برابر قانون از مؤلفه‌های مورد نظر در اندیشه امام است.

۱) پیشنهاد می‌شود، در چارچوب دروس مرتبط به مطالعات اسلامی و نظام‌های سیاسی، بر بحث حکمرانی خوب در اندیشه‌های اسلامی بیشتر توجه شود.

۲) اصول قانون‌مداری اسلامی، آزادی و شفافیت اطلاعات، مبارزه با کلیه مظاهر فساد، نفی سلطه، پاسخگویی در برابر یکدیگر و خداوند، عدالت و نظارت همگی از مؤلفه‌های حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی هستند. پیشنهاد می‌شود، مسئولین نظام ضمن توجه و تأکید بر تحقق این مؤلفه‌ها ساز و کارهایی برای اندازه‌گیری آن‌ها تدبیر نموده تا میزان تحققشان را ارزیابی کنند و ضمن پرهیز از انحراف، مطابق با نقشه راه، حرکت خودشان را سامان دهند.

۳) پیشنهاد می‌شود در تحقیقی پیمایشی، با تنظیم پرسشنامه‌ای از مسئولان با سابقه جمهوری اسلامی سؤال شود که در اجرای مؤلفه‌های حکمرانی خوب از نظر امام در طول عمر این نظام تا چه میزان موفق بوده‌ایم.

کتاب‌نامه

۱. اسپوزیتو، جان و جان وال (۱۳۹۰)، جنبش‌های اسلامی معاصر (اسلام و دموکراسی)، ترجمه شجاع احمدوند، تهران: نشرنی.
۲. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۴) البیع، ج ۲، تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم.
۳. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۲) شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۳) صحیفه نور (۲۲ جلد)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. خمینی، روح‌الله (بی تا) کشف‌الاسرار، قم: انتشارات آزادی.
۶. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۴ق، بی جا) مکاسب محرم تا طبع مهر.
۷. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۱) ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ یازدهم.
۸. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۷)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
۹. رجایی، فرهنگ (۱۳۸۰)، پدیده‌ی جهانی شدن، وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: نشرآگه.
۱۰. رجایی، فرهنگ (۱۳۷۲)، {چالش بنیادگرایی و پاسخ غرب}، مجله سیاست خارجی، سال هفتم، شماره ۴.
۱۱. زلفی گل، محمد علی (۱۳۸۳)، {از تریج علم تا تولید ثروت از دانش}، فصلنامه رهیافت، شماره ۳۳.
۱۲. ضمیری، عبدالحسین، (۱۳۸۸)، حکمرانی مطلوب در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، چاپ اول، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی معاونت پژوهشی دفتر گسترش تولید علم.
۱۳. غنی نژاد، موسی (۱۳۸۹) تجدد طلبی و توسعه در ایران معاصر، تهران: نشر مرکز.
۱۴. مرزبان، نازنین (۱۳۹۴)، مطالعه تطبیقی حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) و علامه نائینی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، دانشکده علوم سیاسی.
۱۵. مورگنتا، هانس. جی (۱۳۷۶) سیاست در میان ملت‌ها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۶. میدری، احمد، خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳) حکمرانی خوب بنیان توسعه، دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۷. نخعی، هادی (۱۳۷۶) توافق و تزاخم منافع ملی و مصالح اسلامی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

18. Acemoglu, Daron.(2008). Interactions Between Governance and Growth.In World Bank. Governance Growth and Development Decision- making(19). World Bank.
19. Baland, Jean- Moene., Moene, Karl- Ove.,&, James.A.(2010).Governance and Development. Center for Research in the Economics of Development.University of Namur. Working paper.
20. Chibba, Michael(2009). Governance and Development: the current Role of Theory. Policy and Practice. World Economics,vol22.
21. Kaufmann, Daniel, Kraay, Aart, & Zoido- Lobaton, Pablo(1999). Governance Matters. The World Bank.
22. North, Douglass C., wallis, John Joseph, & Weingast, Barry R.(2009a). Violence and the Rise of Open.